

شورای امنیت و امکان نقش‌آفرینی در روند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی

شهرام زرنشان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۷

چکیده

به‌مانند قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی که می‌توانند مبین رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنان در خصوص موضوعات مطروح باشند، اعمال شورای امنیت نیز می‌تواند به همین نحو نقش‌آفرین باشد؛ امری که به‌زعم برخی، ظاهراً در گزارش‌های گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، پروفیسور مایکل وود در رابطه با شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی، مغفول مانده است. باید توجه داشت در عرصه موضوع شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی، از دو جهت به عملکرد سازمان‌های بین‌المللی توجه می‌شود و از این حیث، تفاوتی میان ارگان‌های دولت‌محور سازمان وجود ندارد. از یک‌سو سازمان‌های بین‌المللی یکی از تابعان فعال حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و اعمالشان در روند ساخت و پرداخت عرف - در کنار رویه دولت‌ها - مورد توجه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی جدا از اعضا، منافاتی با احراز رویه مستقل کشورهای عضو نخواهد داشت. بدین ترتیب از نقطه‌نظر ملاحظه‌خیز، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، ظرفیتی مناسب به‌منظور ارزیابی رویکرد دولت‌ها در موضوعات مورد بحث دارد و مبین و منعکس‌کننده اعتقاد حقوقی آن‌هاست. در این بین، اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به‌عنوان مهم‌ترین ارگان اجرایی دولت‌محور سازمان ملل متحد، بدون تردید، عمل سازمان محسوب می‌شود و می‌تواند در فرایند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی نقش‌آفرینی کند.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل عرفی، شورای امنیت، سازمان‌های بین‌المللی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعتقاد حقوقی

مقدمه

آیا شورای امنیت می‌تواند در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نقش‌آفرینی کند؟ این عنوان نوشتار حاضر است. شورای امنیت، یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود که تصمیماتش در زمره مهم‌ترین اعمال سازمانی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است، اعمال سازمان‌های بین‌المللی اگرچه از رهگذر ارگان‌هایشان ظهور می‌یابد و به‌واقع، این ارگان سازمان است که اهداف و وظایف سازمان را پی می‌گیرد، اما باید دانست اعمال ارگان‌های سازمان به حساب خود سازمان صورت می‌گیرد و تصمیم ارگان سازمان در نهایت به‌عنوان تصمیم آن سازمان صادر و شناخته می‌شود. لذا در ادامه، بحث حاضر باید در چارچوبی کلی‌تر و در قالب رفتارسنجی سازمانی در فرایند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی پی گرفته شود. بنابراین اگر به این نتیجه برسیم که اعمال سازمان‌های بین‌المللی که از رهگذر رفتار ارگان‌هایشان متجلی می‌شود در روند عرف‌سازی جهانی مشارکت دارد، می‌توان اذعان کرد که شورای امنیت هم در این فرایند نقش‌آفرین است.

به‌طور کلی سازمان‌های بین‌المللی به گونه‌های مختلفی می‌توانند در روند ساخت قاعده حقوق عرفی مشارکت کنند. نباید از یاد برد که چون سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت حقوقی عینی دارند از تابعان فعال و مستقل نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و در کنار دولت‌ها می‌توانند در فرایند خلق حق و تکلیف در جامعه بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند و این امری محرز و تثبیت‌شده است. امروزه میزان سازمان‌های بین‌المللی (دولتی) به چندین برابر خود دولت‌ها رسیده است و در بسیاری از حوزه‌ها دولت‌ها بخشی از مهم‌ترین صلاحیت‌های خود را به سازمان‌ها واگذار کرده‌اند. بدین ترتیب از این رهگذر، سازمان می‌تواند مستقلاً و در کنار دولت‌ها، سازنده رفتاری باشد که در نهایت، منجر به خلق قاعده عرفی شود.

اما از سویی دیگر، از آنجایی که سازمان‌ها، اجتماعی سامان‌یافته از دولت‌ها به حساب می‌آیند، می‌توانند محفلی بسیار مناسب نیز برای انعکاس رویه‌ها و رویکردهای دولت‌ها در موضوعات مختلف باشند بخصوص در مورد سازمان ملل متحد که این امر در رابطه با آن، جلوه‌ای دیگر می‌یابد. هم مجمع عمومی و هم شورای امنیت - البته محدودتر - از این ظرفیت برخوردارند که مبین دیدگاه‌ها و گرایش‌های دولت‌ها در مسائل عام بین‌المللی باشند. مجمع عمومی به‌واسطه عضویت تقریباً تمامی دولت‌های جهان و شورای امنیت، از آنجایی که متضمن حضور و فعالیت بزرگ‌ترین دولت‌های عالم است، به‌صورتی مؤثر می‌توانند در فرایند شکل‌گیری قاعده حقوق بین‌الملل نقش‌آفرینی کنند.

همچنین نباید در این بین از ساخت عرف‌های درون‌سازمانی هم غافل شد. ماده ۲۷ منشور

ملل متحد در مورد شیوه رأی‌گیری در شورای امنیت که بدان خواهیم پرداخت می‌تواند مهم‌ترین نمونه از این دست عرف‌ها باشد.

بدین ترتیب در ادامه، مقاله حاضر تلاش خواهد کرد شیوه‌های مذکور نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در ساخت و پرداخت حقوق بین‌الملل عرفی را با تفصیل بررسی کند. لذا در ابتدا روند مشارکت سازمان در ساخت رویه منجر به شکل‌گیری عنصر مادی عرف، بررسی و سپس ظرفیت سازمان در تبیین عنصر روانی عرف، ارزیابی خواهد شد. در آن صورت است که می‌توان تحلیل مناسبی از امکان نقش‌آفرینی شورای امنیت سازمان ملل متحد در روند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی داشت؛ امری که به نظر در گزارش‌های گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، پروفیسور مایکل وود در رابطه با شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی که در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی منتشر شد، نادیده گرفته شده است.^۱ از نقطه‌نظر برخی تحلیل‌گران، گزارشگر ویژه در گزارش‌های خود، هیچ نقشی برای شورای امنیت در فرایند عرف‌سازی قائل نشده است؛ برخلاف مجمع عمومی که بارها به آن ارجاع شده است.^۲ هرچند ممکن است قضاوت در مورد عملکرد پروفیسور وود در عرصه موضوع شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی زود باشد، دست‌کم پاسخ به این ابهام، موجب شد تا نگارنده جهت نگارش نوشتار حاضر، انگیزه‌های مضاعف یابد.

۱. شورای امنیت و ساخت عنصر مادی عرف

۱-۱. ماهیت رویه و امکان ملاحظه قطعنامه سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ادله

عنصر مادی عرف

پیش از ورود به بحث، لازم است باز بر این نکته مهم تأکید شود که رویه بین‌المللی برای مشارکت در ساخت عنصر مادی عرف می‌تواند هم فیزیکی باشد و هم کلامی. بدین ترتیب از آنجایی که قطعنامه سازمان‌های بین‌المللی از نمونه‌های بارز اعمال کلامی به حساب می‌آید، امکان ملاحظه چنان اسنادی در روند عرف‌سازی بین‌المللی وجود دارد.

به‌طور کلی احصاء اعمال و رفتارهایی که متضمن رویه بین‌المللی، منجر به شکل‌گیری قاعده عرفی است، کار ساده‌ای نیست. چنان‌که گفته شد، اصولاً عنصر مادی یا رویه می‌تواند هم دربرگیرنده اعمال مادی و فیزیکی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باشد و هم اعمال کلامی

1. Micheal, Wood, *First Report on Formation and Evidence of Customary International Law*, Special Rapporteur, International Law Commission, A/CN.4/663, 2013., Second report on identification of customary international law, A/CN.4/672, Geneva, 5 May-6 June and 7 July-8 August 2014.

2. Kristen, Boon; *Are Security Acts Relevant to the Formation of Customary International Law?*, <http://opiniojuris.org/2014/06/26>.

آن‌ها. با این حال، دیدگاه حقوق‌دانان در این رابطه یکسان نیست، چه اینکه بعضی از متخصصان امر، صرفاً اعمال فیزیکی را به‌عنوان رویه می‌پذیرند، حال آنکه به نظر می‌رسد دیدگاه غالب در این خصوص در پرتو رویه قضایی بین‌المللی، دلالت بر هر نوع رفتار به‌منزله عنصر مادی تشکیل‌دهنده عرف دارد.

برخی حقوق‌دانان مانند داماتو، وولفکه و تیرل وی، صرفاً اعمال فیزیکی و مادی دولت‌ها را تجلی رویه می‌پندارند و با ارائه مفهومی مضیق در این خصوص، گستره منابع عنصر مادی تشکیل‌دهنده عرف را محدود می‌کنند.^۳ به اعتقاد اینان، هرگونه ادعا یا اظهار عام،^۴ به‌خودی‌خود نمی‌تواند مبین رویه دولت باشد. پروفیسور داماتو در این خصوص می‌گوید: ادعا عمل نیست. ادعا اگرچه ممکن است هنجار حقوقی را چارچوب‌بندی (Articulate) کند، نمی‌تواند شاکله عنصر مادی عرف باشد.^۵ به‌زعم وی، پرتاب موشک، آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، پذیرش سفرا، وضع تکالیف گمرکی، اخراج بیگانه از کشور، توقیف کشتی دزدان دریایی، انجام تمرین‌های نظامی در منطقه فلات قاره، توقیف و بازرسی کشتی‌های بی‌طرف و... از مهم‌ترین نمونه‌های رویه دولت به حساب می‌آید. دولتی که در رابطه با یک موضوع، ادعایی مطرح می‌کند اما عمل نمی‌کند، صرف چنین ادعایی از نقطه‌نظر پیش‌بینی آنچه آن دولت واقعاً انجام خواهد داد، دارای ارزش پایینی است.^۶ همچنین است وضعیت در مواردی که دولتی قصد دارد از توسعه یا تغییر یک قاعده عرفی، حمایت یا با آن مخالفت کند. داماتو در این مورد، نمونه‌ای را ذکر می‌کند: پرتاب اولین موشک اسپوتنیک به فضا و توسعه هم‌زمان حقوق عرفی مربوط به عبور ماهواره از فضای کشورهای دیگر. به اعتقاد وی، اگر دولتی قصد مخالفت با توسعه چنین حقوقی را می‌داشت، ضروری بود در این خصوص اقدامی عینی صورت دهد، یا از طریق ایجاد مانع برای عبور ماهواره مذکور یا - در صورت عدم توانایی انجام چنین کاری - به هر طریقی از رهگذر اتخاذ اقدامات متقابل علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق.^۷ همچنین داماتو در ادامه، امکان وجود تعارض در میان اعمال و گفتارهای یک دولت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر وی، در صورتی که تلقی ما از عنصر رویه، متضمن هر دو نوع رفتار فیزیکی و کلامی باشد، بعضاً ممکن است این مسئله نیز مطرح شود که بین آنچه دولت می‌گوید و آنچه انجام می‌دهد، تعارضی وجود دارد که اساساً چنین تعارضی، هنگامی که ملاحظه ما از رویه، صرفاً دلالت بر اعمال فیزیکی به‌عنوان عنصر مادی

۳. اما/کهرست، مندلسون، مولرسون و بایر، قائل به ارائه مفهومی گسترده در این خصوص هستند.

4. Statement

5. D'amato, A. A, *The concept of Custom in International Law*, Cornell University Press, London 1971, p.88.

6. *Ibid.*

7. *Ibid.*, p.89.

عرف باشد، به‌وجود نمی‌آید.^۸ دولت در آن واحد می‌تواند اظهارات متناقضی را با لحن‌های متفاوت مطرح کند، اما در یک زمان، تنها به یک شکل عمل می‌کند.^۹

باوجود این، برخلاف گفته‌های فوق، به نظر می‌رسد تکیه بر اظهارات عام دولت‌ها (به‌طور کلی اعمال کلامی) به‌منظور جستجوی عناصر سازنده حقوق عرفی، واقعیتی غیرقابل انکار در سطح بین‌المللی باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در پی یافتن ادله رویه دولت‌ها مستمراً به مکاتبات رسمی، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، اعلامیه‌های دیپلماتیک، معاهدات و سایر موارد مشابه استناد کرده است^{۱۰} و دولت‌ها نیز اصولاً به چنین روندی هیچ اعتراضی نداشته‌اند و از الگوی چنان آرایبی نیز بعضاً پیروی کرده‌اند.^{۱۱}

همان‌طور که اشاره شد، رویه قضایی بین‌المللی، نقش اعمال کلامی را مستقل از اعمال فیزیکی به‌عنوان یکی از دلایل ایجادکننده عنصر مادی عرف، تأیید کرده است. عملکرد دیوان‌های بین‌المللی، سرشار از مواردی است که در آن با اعمال کلامی به‌عنوان نمونه‌هایی از رویه دولت برخورد شده است. در این راستا، در وهله اول می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پناهندگی ۱۹۵۰ توجه کرد که در آن، دیوان با تکیه بر عقاید رسمی دولت‌ها و معاهدات تدوین‌شده، امکان وجود رویه‌ای منسجم و یکنواخت در موضوع موردبحث را ارزیابی می‌کند.^{۱۲} نیز ملاحظاتی در قضیه مربوط به حقوق اتباع ایالات متحده در مراکش ۱۹۵۲، که در آن دیوان مکاتبات دیپلماتیک را جهت تعیین اینکه آیا حقی بر اجرای صلاحیت‌های کنسولی حاصل از عرف تا سال ۱۹۵۲ به‌وجود نیامده است، بررسی کرد.^{۱۳}

همچنین دیوان در قضایای مربوط به فلات قاره دریای شمال ۱۹۶۹ اعلام می‌دارد: به‌طور کلی گرایش دولت‌ها در مقابل معاهده، یا در طول مذاکرات مربوط به آن یا در هنگام پذیرفتن آن، می‌تواند مهم‌تر از خود آن معاهده باشد، به‌ویژه در احراز وجود عنصر مادی. دیوان در همین رأی از رهگذر استناد به فعالیت‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در گردآوری پاسخ دولت‌ها و نیز گرایشی که آنان در کنفرانس ژنو پذیرفته‌اند، عرفی‌شدن اصل خط‌منصف را رد

8. *Ibid*, pp.50-51.

9. *Ibid*.

10. Akehurst, M, *Custom as a Source of International Law*, 47 British Yearbook of International Law, 1974-75., pp.1-2.

11. For example see: *Digest of United States Practice in International Law*, (S, J, Cummins and D, P, Stewart, eds), 2001, pp.596-958, *Digest of United States Practice in International Law*, (S, J, Cummins and D, P, Stewart, eds), 2002, pp. 657-658.

12. *Asylum Case (Colombia v. Peru)*, ICJ Reports, 1950, p. 277.

البته لازم به ذکر است که دیوان در این قضیه نهایتاً به این نتیجه رسید که قاعده عرفی وجود ندارد و از مجموعه معاهدات مدون نمی‌تواند رویه‌ای را استخراج کند.

13. *Case Concerning Rights of the United Nations National in Morocco*, ICJ Reports, 1952, pp. 200, 209.

می‌کند اما صرفاً از جهت عرفی نبودن قاعده خط‌منصف و نه انکار اینکه قاعده می‌تواند در چنین روشی به عمل آید.^{۱۴}

همچنین عملکرد دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و در قبال تصویب قطعنامه‌ها نیز می‌تواند نقش مهمی در شناسایی ادله شاکله عنصر مادی عرف ایفا کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ و رأی مشورتی مربوط به مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶، این ایده را پذیرفته است که قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقش مهمی در ارزیابی‌های مربوط به شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی منع مداخله، منع تجاوز و منع تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای ایفا کرده است.

در قضیه دعوی آلمان علیه ایتالیا (رأی سوم فوریه ۲۰۱۲) نیز دیوان از نقطه نظر مواجهه با استدلال‌های طرفین در خصوص وجود یا عدم مصونیت بر استثنائات شبه‌جرم ادعایی و در مقام پاسخ، تصریح می‌کند که بررسی عمیق در رویه‌های ملی و بین‌المللی مربوطه از جمله آرای دادگاه‌های کشورهای کانادا، فرانسه، اسلونی، نیوزلند، لهستان و انگلستان و همچنین قوانین داخلی کشورهایی که در رابطه با مصونیت دولت، قانونگذاری کرده‌اند، نشان می‌دهد در حقوق بین‌الملل عرفی، مصونیت دولت به شدت اعمالی که آن دولت مرتکب شده یا ماهیت آمرانه قواعدی که ادعای نقض آن مطرح است، بستگی ندارد. تقریباً هیچ رویه‌ای وجود ندارد که متضمن حمایت از زوال مصونیت دولت در چنین مواقعی باشد.^{۱۵} بدین ترتیب، دیوان در این رأی با استناد به آرای دادگاه‌های داخلی و برخی قوانین ملی، تلویحاً تأکید دارد که اعمال کلامی، یقیناً در روند ساخت عنصر مادی عرف، نقش‌آفرین است.

تکیه بر اعمال کلامی دولت‌ها به منظور جستجوی حقوق عرفی، واقعیت کنونی نظام بین‌المللی است و از اهمیت بالایی برخوردار است، به‌ویژه برای آن دسته از دولت‌هایی که امکانات مادی برای اقدام عملی در زمینه‌ای خاص ندارند، مانند دولت‌هایی که سلاح‌های کشتار جمعی ندارند یا آن‌هایی که امکانات پرتاب موشک به فضا را ندارند یا دولت‌های محاط در خشکی. اعمال کلامی، تنها گونه ممکن از رویه برای آن‌ها است. چنان‌که در فوق نیز گفته شد، دیوان بین‌المللی دادگستری در پی یافتن ادله رویه دولت‌ها، مستمراً به مکاتبات رسمی، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، اعلامیه‌های دیپلماتیک و سایر موارد مشابه استناد کرده است و دولت‌ها نیز بدان اعتراضی نداشته‌اند، اگرچه در این بین، حقوق‌دانانی بوده‌اند که با این روند مخالفت داشته‌اند. در هر صورت باید اذعان کرد در حال حاضر، عقیده اکثریت دلالت می‌کند

14. *Case Concerning North Sea Continental Shelf*, ICJ Reports, 1969, p.38.

15. *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening)*, ICJ Reports 2012, para. 77, 83, 84, 97.

بر پذیرش هر نوع عمل فیزیکی و کلامی به‌عنوان گونه‌ای از ادله رویه دولت‌ها.^{۱۶} بنابراین مجدداً تأکید می‌شود، اعمال سازمان‌های بین‌المللی که عموماً در قالب قطعنامه از سوی آنان متجلی می‌شود، از جمله برجسته‌ترین اعمال کلامی محسوب می‌شود و می‌تواند در روند ساخت عنصر مادی عرف، نقش آفرین باشد.

۲-۱. نقش آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در شکل‌گیری عنصر مادی عرف

گو اینکه «رویه عام» به‌عنوان عنصر مادی تشکیل‌دهنده عرف، اساساً دلالت بر رویه دولت‌ها دارد، با وجود این، سازمان‌های بین‌المللی که به‌منظور سامان‌دادن به هرج‌ومرج در روابط بین‌الملل در ایجاد نظامی سیستمیک به‌وجود آمده‌اند، امروزه رشدی فزاینده یافته و به‌واقع، جزء لاینفک زندگی بین‌المللی محسوب می‌شوند و از این رهگذر، در عرصه‌های مختلف، نقش آفرینی می‌کنند. این رشد فزاینده، نتیجه گسترش روابط بین‌المللی به‌ویژه در سده بیستم بود. سازمان‌های بین‌المللی که ابتدائاً صرفاً در حوزه‌هایی محدود و در چارچوب مسائل فنی قدم در عرصه‌های بین‌المللی نهاده‌اند، در حال حاضر، قلمرو فعالیت‌های خود را به مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی از جمله موضوعات حقوقی، سیاسی و امنیتی تعمیم داده‌اند. بدین ترتیب، سازمان‌های بین‌المللی با دارا بودن شخصیت حقوقی عینی،^{۱۷} یکی از تابعان فعال حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و از این حیث می‌توانند هم‌ایجادکننده حق و تکلیف و هم موضوع آن باشند. سازمان‌ها اگرچه این شخصیت خود را ابتدائاً از اراده دولت‌ها می‌گیرند، در تداوم فعالیت‌هایشان، به‌عنوان شخصیت حقوقی مستقل عمل می‌کنند.^{۱۸}

به‌طور کلی به همان میزانی که سازمان‌های بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل از قابلیت معاهده‌سازی در راستای اجرای مأموریت‌هایشان و دستیابی به اهدافی که به‌منظور تحقق آن‌ها

۱۶. برای مطالعه بیشتر راجع به نظر اکثریت، ن.ک:

Byers, Michael, "Custom, Power, and the Power of Rules Customary International Law from an Interdisciplinary Perspective", 17 *Michigan Journal of International Law*, 1995, pp.133-141.

Lepard, Brian, D, *Customary International Law, A New Theory with Practical Applications*, Cambridge University Press, 2010, pp. 218-220.

Sinclair, I, M, T, *The Vienna Convention on the Law of Treaties*, Manchester University Press, 1984, p. 254.

Kammerhofer, Jorg, "Uncertainty in the Formal Source of International Law: Customary International Law and Some of Its Problems", *European Journal of International Law*, 2004, 525-528.

17. *Advisory Opinion of Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations*, ICJ Reports 1949, p. 179.

18. برای انجام مطالعات بیشتر در این خصوص، ن.ک: زمانی، سیدقاسم؛ *حقوق سازمان‌های بین‌المللی؛ شخصیت، مسئولیت، مصونیت*، شهر دانش، ۱۳۸۴.

Amerasinghe, C, F, *Principles of the Institutional Law of International Organization*, Cambridge University Press, 1996.

Gross, L, *Essays on International Law and Organization*, Two volumes, Martinus Nijhoff, 1984.

شکل گرفته‌اند، برخوردارند - که حدود و ثغورش در معاهده وین در زمینه حقوق معاهدات میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر در ۲۱ مارس ۱۹۸۶ مشخص شده است -^{۱۹} به همان میزان نیز تحت شرایطی می‌توانند در فرایند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام از رهگذر رویه ارگان‌هایشان مشارکت کنند.^{۲۰} چنین مشارکتی به‌واقع از آثار و تبعات اصلی داشتن شخصیت حقوقی مستقل بین‌المللی است. البته باید متذکر شد که پذیرش شخصیت حقوقی عینی برای سازمان‌های بین‌المللی نباید به این نتیجه منتهی شود که کشورهای عضو سازمان، دیگر در چارچوب سازمان موردبحث از رویه‌ای مستقل برخوردار نباشند و آنچه در استنباط قواعد عرفی مؤثر می‌افتد فقط رویه خود سازمان باشد. برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی مستقل از اعضا، منافاتی با احراز رویه مستقل کشورهای عضو سازمان نخواهد داشت چرا که یک کشور، با عضو شدن در سازمان بین‌المللی، هویت و موجودیت خود را از دست نمی‌دهد بلکه برخی از صلاحیت‌ها و اختیارات خود را برای رسیدن به هدف خاصی به سازمان مربوطه واگذار می‌کند.^{۲۱} همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، محفلی بسیار مناسب به‌منظور ارزیابی رویه دولت‌ها در موضوعات مورد بحث، و مبین و منعکس‌کننده اعتقاد حقوقی آن‌هاست.

همچنین باید بین رویه‌های درون‌سازمانی که می‌تواند تشکیل‌دهنده عرف‌های سازمانی باشد، و نیز رویه‌های برون‌سازمانی که حاصل گرایش و نگرش کل مجموعه سازمان در قبال موضوعی خاص در عرصه روابط بین‌المللی است، قائل به تفکیک شد. درمورد اخیر، روشن است سوابقی که سازمان ایجاد می‌کند، همان ارزش و اعتباری را دارد که چنین سوابقی ممکن است توسط دولت‌ها خلق شود.^{۲۲} این امری مسلم و قطعی است که در چارچوب همان برخورداری سازمان از شخصیت حقوقی عینی و مستقل، قابل توجیه است و تنها کسانی می‌توانند آن را انکار کنند که صرفاً قائل به مفهومی مطلق از اراده‌گرایی در عرصه حقوق بین‌الملل هستند و عرف را تنها

19. *Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations*, Official Records of the United Nations Conference on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations, 1986.

20. *Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law*, The International Law Association, Final Report of 69th Conference, London, 2000, Article 11.

همچنین برای مشاهده ترجمه این اثر، ن.ک: انجمن حقوق بین‌الملل؛ اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام، ترجمه: محمدجعفر قنبری جهرمی، دراک، ۱۳۸۴.

۲۱. زمانی، سیدقاسم؛ عرف و معاهده در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر قضیه نیکاراگوئه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۱۴.

22. Virally, M, "The Sources of International Law", In: Soreson, M, (ed), *Manual of Public International Law*, Martin Press, 1968, p.139.

زاییده اراده دولت‌ها می‌دانند.^{۲۳} به‌عنوان مثال، وقتی سازمان ملل متحد، نیروهای نظامی را جهت اجرای مأموریت‌های مختلف به سراسر جهان اعزام می‌کند، و نیز هنگامی که اتحادیه اروپا به نام خود، با کشورهای دیگر، روابط تجاری خارجی برقرار می‌کند و حتی مستقلاً خود را به عضویت سازمان‌های بین‌المللی دیگر چون سازمان تجارت جهانی و غیره درمی‌آورد، بی‌شک عملکرد آن‌ها در این موارد باید در فرایند شکل‌گیری قوانین و مقررات جنگی و نیز حقوق بین‌الملل اقتصادی مشارکت داده شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی مربوط به حق شرط بر کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸، در تبیین حقوق عرفی مربوط به رزرو، رویه دبیرکل سازمان ملل متحد را به‌عنوان امین بسیاری از معاهدات چندجانبه در کنار رویه مقامات ملی کشورها مورد توجه قرار داد.^{۲۴}

صرف‌نظر از موارد فوق به‌عنوان نمونه‌هایی از رفتار سازمانی، - چنان‌که مبرهن است - بسیاری دیگر از اعمال سازمان‌های بین‌المللی از رهگذر تصمیمات آن‌ها در قالب قطعنامه و اعلامیه ظهور می‌کند. لذا تصویب چنین اسنادی می‌تواند نمونه بارزی از رویه سازمان به حساب آید. در این ارتباط، حتی برخی نویسندگان، رویه سازمان به‌عنوان عنصر عینی تشکیل‌دهنده عرف را تنها در این قالب ملموس می‌دانند و تبلور عملکرد مادی سازمان به شیوه مورد اشاره در فوق را قبول ندارند.^{۲۵} درمقابل، عده‌ای دیگر از مفسرین، تجلی رویه سازمان را تنها در چارچوب رفتار مادی آن (و نه کلامی در شکل قطعنامه و اعلامیه)، جستجو می‌کنند.^{۲۶} عده اخیر معتقدند تصویب هرگونه قطعنامه و اعلامیه از سوی سازمان بین‌المللی، بیشتر مبین عملکرد دولت‌های عضو آن سازمان است تا خود سازمان. در هنگام رأی‌گیری قطعنامه که مسائلی را در رابطه با حقوق بین‌الملل، مطرح می‌کند، دولت‌ها یا در حال شکل‌دادن به رویه خود در مورد موضوع مورد بحث هستند یا به دنبال نشان‌دادن اعتقاد حقوقی خود در این باره. لذا بهتر است چنین عملکردی، بیشتر مبین رفتار و گرایش دولت‌ها دانسته شود تا اینکه در قلمرو رویه سازمانی ارزیابی شود.^{۲۷}

23. *Ibid.*

24. *Advisory Opinion of Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, ICJ Reports, 1951, p.15.

25. Higgins, R, *The Development of International Law through the Political Organs of the United Nations*, 1963, Chap.2 and Sloan, B, *General Assembly Resolutions Revisited*, 58 *British Yearbook of International Law*, 1987, p.39.

26. Mendelson, M, H, *The Formation of Customary International Law*, 272 *Recueil des cours: Collected Courses of The Hague Academy of International Law*, 1998, p.201.

27. *Ibid.*, p.202.

لازم به ذکر است انجمن حقوق بین‌الملل در اعلامیه خود در رابطه با اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام در سال ۲۰۰۱ نیز تحت تأثیر افکار پروفیسور مندلسون - رئیس کمیته مربوط به حقوق بین‌الملل عرفی در این انجمن - بر همین نظر در رابطه با رویه سازمان‌های بین‌المللی تأکید کرد.

(*Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law, op. cit.*, Article 11, (Commentary b)).

به نظر می‌رسد در این ارتباط باید هر دو نوع عملکرد فوق را به‌عنوان رویه سازمان قلمداد کرد چه اینکه - همان‌طور که گفته شد - بسیاری از تصمیمات سازمان در قالب قطعنامه‌های آن سازمان متجلی می‌شود و بازتاب عملی چنان تصمیماتی توسط واحدهای عملیاتی سازمان باید در راستای همان تصمیمات، مجموعاً در فرایند شکل‌گیری قواعد عرفی مدنظر قرار بگیرد، به‌گونه‌ای که درمورد دولت‌ها نیز چنین روندی مشاهده خواهد شد.

اما درمورد آن دسته از رفتارهایی که موجب شکل‌گیری رویه‌های درون‌سازمانی می‌شود، اصولاً عملکرد سازمان بخصوص در امور اداری و شکلی، امور مالی و بودجه‌ای، انتخابات درون‌سازمانی، تأسیس ارگان‌های فرعی، تفسیر اساسنامه و غیره، می‌تواند موجب شکل‌گیری عرف‌های درون‌سازمانی و خاص شود مانند رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با تفسیر بند ۳ از ماده ۲۷ منشور. بر اساس این قسمت از ماده: «تصمیمات شورای امنیت، راجع به سایر موضوعات با رأی مثبت ۹ عضو که متضمن آرای تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌شود...». در این خصوص، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مربوط به آثار غیرقانونی، ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا (آفریقای جنوب غربی) قطع‌نظر از صدور قطعنامه ۲۷۶ شورای امنیت (۱۹۷۱)، درمقابل این ادعای آفریقای جنوبی که بیان داشته بود قطعنامه شورای امنیت، مبنی بر تقاضای نظر مشورتی از دیوان، بدین علت که تمام اعضای شورا بدان رأی مثبت نداده‌اند، فاقد اعتبار است، تصریح کرد: باوجود این، عملکرد شورای امنیت در مدت طولانی متضمن نمونه‌های فراوانی است که بر اساس آن، در موارد صدور بیانیه رئیس یا موقعیت‌های تحت تصمیم اعضای شورا، به‌ویژه اعضای دائم، امتناع اختیاری و ارادی یک عضو دائم از مشارکت در رأی‌گیری، مانع از تصویب قطعنامه نبوده است. عملکرد منسجم و متحدالشکل شورا در این خصوص دلالت دارد بر اینکه رأی ممتنع یک عضو به معنای اعتراض به تصویب آنچه پیشنهاد شده، نیست. به‌منظور جلوگیری از صدور قطعنامه، ضروری است عضو دائم شورا رأی منفی خود را به تصویب آن اعلام کند. این روندی است که شورای امنیت، حتی بعد از اصلاحیه منشور در سال ۱۹۶۵ از آن پیروی کرده و اکنون در مجموع، اعضای سازمان ملل متحد به‌عنوان رویه عام سازمان در رابطه با ماده ۲۷ منشور، آن را پذیرفته‌اند.^{۲۸}

بنابراین به‌زعم دیوان، رویه عمومی سازمان در قبال قطعنامه‌های شورای امنیت که با یک یا چند رأی ممتنع اعضای دائم به تصویب می‌رسد، دلالت بر اعتبار چنین قطعنامه‌هایی دارد و اعضای ملل متحد نیز این امر را پذیرفته‌اند. در قضیه فوق، آفریقای جنوبی با اتکا بر کارهای مقدماتی مربوط به تدوین ماده ۲۷، به‌وضوح، قصد واقعی نویسندگان این متن را خلاف آنچه

28. *Advisory Opinion of Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276(1970)*, ICJ Reports, 1971, para. 22.

دیوان در این رابطه بیان کرده بود، می‌دانست.^{۳۹} از نظر آفریقای جنوبی، رأی ممتنع می‌بایست معادل با یک رأی منفی قلمداد شود.^{۳۰}

بدین ترتیب، سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان تابعان اصلی نظام حقوق بین‌الملل می‌توانند در فرایند رویه‌سازی و ساخت قواعد حقوقی مشارکت کنند، چه در چارچوب ارگان‌های داخلی خود و چه در رابطه با دولت‌های دیگر در سطح روابط بین‌الملل، و شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از ارگان‌های اصلی و به‌واقع بازوی اجرایی سازمان ملل متحد، نقش بسیار مهمی در روند ساخت رفتار و رویه سازمان ملل متحد ایفا می‌کند؛ گو اینکه تنها تعداد محدودی از دولت‌ها در عضویت آن شورا هستند. در این باره در ادامه مجدداً سخن به میان خواهد آمد.

۲. شورای امنیت و تبیین "Opinio Juris"

عرف، متشکل از رویه عامی است که «به‌عنوان حقوق، پذیرفته شده است». قسمت اخیر تعریف، مبین وجود عنصر ضروری و لاینفکی است - عنصر روانی (*Opinio Juris*) - در کنار عنصر رویه در فرایند شکل‌گیری قواعد عرفی. به‌زعم دیوان، برای ساخت حقوق بین‌الملل عرفی «باید دو شرط محقق شود»: اول وجود «رویه‌ای مستقر (تثبیت‌شده)» که واجد شرایط لازم باشد، و دیگری «باور به اینکه چنین رویه‌ای به‌واسطه وجود قاعده‌ای حقوقی الزام‌آور است».^{۳۱} لذا، جزء عینی عرف - رویه - باید با یک «عنصر ذهنی»^{۳۲} همراه شود که در همان مفهوم^{۳۳} «اعتقاد حقوقی منبعث از ضرورت‌ها» نهفته است.^{۳۴} عبارت لاتینی که معمولاً به‌صورت اختصار به‌کار برده می‌شود، «*Opinio Juris*» است: «اعتقاد حقوقی دولت‌ها» یا به‌زعم برخی، «رأی راسخ حقوقی دولت‌ها».^{۳۵} چنین مفهومی، عرف^{۳۶} را از صرف رویه یا عادت،^{۳۷} مجزا خواهد کرد.^{۳۸}

29. Thirlway, H, *The Law and Procedure of International Court of Justice*, British Yearbook of International Law, 1990, p. 77.

30. *Ibid.*

31. *Case Concerning North Sea Continental Shelf, op. cit.*, p.44.

32. Subjective element

33. *Opinio Juris sive necessitates*

34. *Ibid.*

۳۵. فلسفی، هدایت‌الله؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیسم، ۱۳۹۰، ص ۵۳۹.

36. The wheat

37. The chaff

38. Dinstein, Yoram, *The Interaction between Customary International Law and Treaties*, 322 Recueil des cours: Collected Courses of the Hague Academy of International Law, 2006, p.293.

اما این عنصر ضروری برای عرف، چگونه احراز می‌شود؟ راه‌های مختلفی در این رابطه وجود دارد: معمولاً معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد، رویه مستمر و عام دولت‌ها و سکوت یا عدم اعتراض آن‌ها عمده‌ترین منابعی است که دیدگاه‌ها و گرایش‌های ذهنی در رابطه با موضوعات مربوطه را نیز منعکس می‌کند. اما از نقطه نظر بحث حاضر، قطعنامه سازمان‌های بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای در روند اثبات عنصر روانی عرف برخوردار است. این قطعنامه‌ها در این چارچوب، حائز نقشی مضاعف است. از یک سو متضمن رویکرد کلی سازمان در قبال موضوع مورد بحث است. همان طور که تصمیم سازمان می‌تواند در روند رویه‌سازی مادی منجر به شکل‌گیری عنصر مادی عرف، مشارکت کند، به همین ترتیب نیز چنان تصمیمی می‌تواند در فرایند ساخت عنصر روانی نقش‌آفرین باشد. از سوی دیگر، محملی بسیار مناسب به منظور انعکاس و احراز اعتقاد حقوقی دولت‌ها است. قطعنامه‌ها، ظرفیتی مهم برای تشریح و تبیین گرایش‌های دولت‌ها تلقی می‌شود.^{۳۹}

هیچ دلیلی وجود ندارد که دولت‌ها نتوانند از طریق قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، اعتقاد حقوقی‌شان را در رابطه با یک هنجار خاص به‌عنوان هنجار حقوقی بیان کنند. رأی دولت‌ها در قبال قطعنامه‌ها و اظهارنظرهای آنان در مورد موضوعاتی که در این چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد، به‌خوبی منعکس‌کننده دیدگاه‌های آنان خواهد بود. از این رهگذر، چنین قطعنامه‌هایی یا می‌تواند تدوین‌کننده (اعلام‌کننده) حقوق بین‌الملل عرفی باشد یا در شکل‌گیری حقوق عرفی جدید مؤثر باشد.^{۴۰}

اینکه قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند در شرایط مناسب، گواه حقوق عرفی موجود باشد یا دلیل مهمی بر ظهور اعتقاد حقوقی دولت‌ها، در رویه قضایی بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در قضیه نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری به‌منظور احراز قاعده عرفی مربوط به منع توسل به زور در روابط میان دولت‌ها، دریافت که «اعتقاد حقوقی» می‌تواند، اگرچه با ملاحظه تمام جوانب، از رهگذر گرایش دولت‌ها نسبت به برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد استخراج شود. اثر رضایت به متن چنین قطعنامه‌هایی می‌تواند به‌عنوان پذیرش اعتبار قاعده یا مجموعه‌ای از قواعدی که از سوی آن قطعنامه‌ها اعلام شده،

لازم به ذکر است که شاید کاربرد عبارات مختلف در ترجمه عبارت لاتین *Opinio Juris* کامل و دقیق نباشد. لذا در اکثر مواقع در نوشتار حاضر از همان عبارت *Opinio Juris* یا «اعتقاد حقوقی» استفاده شده که به‌خوبی مبین همان عنصر روانی قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است.

همچنین برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ن. ک: شهرام زرنشان؛ «مفهوم و ماهیت عنصر روانی در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

39. *First Report on Formation and Evidence of Customary International Law, op. cit.*, p.21.

40. *Lepard, Brian, D, op. cit.*, p.209.

تلقى شود.^{۴۱} دیوان در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای، مجدداً اظهار مشابهی داشت: «قطعنامه‌های مجمع عمومی در شرایط خاصی می‌توانند دلیل مهمی برای اثبات وجود یک قاعده یا ظهور اعتقاد حقوقی دولت‌ها باشند».^{۴۲} اشاره به «برخی قطعنامه‌ها» در رأی نیکاراگوئه و نیز تصریح به «شرایط و اوضاع و احوال خاص» در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای، اتفاقی نیست. این‌گونه ملاحظات دیوان نسبت به قطعنامه‌های مجمع عمومی نشان می‌دهد که تمام قطعنامه‌های مجمع، گواهی بر ظهور اعتقاد حقوقی عام نیست^{۴۳} و این امری بدیهی است. قطعنامه، تحت شرایط خاصی می‌تواند مبین حقوق بین‌الملل عرفی موجود باشد. دیوان در همین قضیه اخیر تأکید می‌کند که در چارچوب موضوع مورد بحث قطعنامه‌های متعددی با میزان بالایی از آرای منفی و ممتنع دولت‌ها به تصویب رسیده است که هیچ‌یک نمی‌تواند دلیلی بر وجود «اعتقاد حقوقی» باشد.^{۴۴} در این راستا، حتی یک قطعنامه جماعی هم ممکن است منعکس‌کننده اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها نباشد و آن، هنگامی است که سوابق و اوضاع و احوال نشان دهد آرای داده‌شده به قطعنامه، صرفاً در قالب توصیه یا بیان سیاسی صورت گرفته و هیچ‌گونه ملاحظه جدی در رابطه با مبنای حقوقی محتوای قطعنامه وجود نداشته است.^{۴۵} لذا در فرایند احراز اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها، تنها نمی‌توان به صورت ظاهری قطعنامه اکتفا کرد. کلام قطعنامه و روند تصویب آن و همچنین چارچوب کلی قطعنامه باید با دقت بررسی شود. اتفاق آرا یا وفاق عام، ضرورتاً قصد مزبور را اثبات نمی‌کند. برعکس، بهای رسیدن به اتفاق آرا یا فقدان هرگونه مخالفت، ممکن است این باشد که قاعده حقوقی الزام‌آوری وجود ندارد یا آن قدر مبهم باشد که برای دولت‌های مختلف، معانی مختلفی را به دست دهد که تقریباً از محتوای حقوقی تهی شود. نمونه تصویب با اتفاق آرا، برخی قطعنامه‌های مربوط به فضای ماورای جو است. پروفیسور چنگ پس از تحلیل دقیق قطعنامه‌های مزبور، نتیجه‌گیری کرده است که توافق گسترده و نمادین مناسبی مبنی بر اینکه محتوای این قطعنامه‌ها به‌عنوان حقوق عرفی «آنی» قلمداد شود، وجود نداشته است.^{۴۶}

41. *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, ICJ Reports, 1986, para. 188.

42. *Case Concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, ICJ Reports, 1996, para.70.

43. Donaghue, S, *Normative Habits, Genuine Beliefs and Law: Nicaragua and Theory of Customary International Law*, 16 *Australian Yearbook of International Law*, 1995, p.340.

44. *Ibid*, 43.

45. The American Law Institute: *Restatement (Third) Foreign Relations Law of the United States*, vol. I, 1987.

46. Cheng, B, "United Nations Resolutions on Outer Space: 'Instant' International Customary Law", 5 *Indian Journal of International Law*, 1965, pp. 38-40.

به‌عنوان نمونه بارز از نقطه‌نظر بحث حاضر، می‌توان به قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی راجع به اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر طبق منشور ملل متحد، مصوب اکتبر ۱۹۷۰^{۴۷} اشاره کرد. این اعلامیه به‌واقع یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از هنگام تصویب منشور و تأسیس سازمان ملل به حساب می‌آید. در چارچوب این سند معتبر، مجموعه‌ای برجسته از اصول و قواعد موجود در حقوق بین‌الملل منعکس می‌شود که به‌زعم دیوان در قضیه نیکاراگوئه^{۴۸} به‌ویژه به لحاظ شناسایی اعتقاد حقوقی دولت‌ها بسیار مهم است. این اعلامیه درحقیقت، شاخص خوبی است از جهت ملاحظه نقش آفرینی سند مصوب سازمان بین‌المللی در عرصه شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عام. چنین اعلامیه‌ای - و نیز سایر اسناد مشابه - سازوکاری بسیار مؤثر به‌ویژه به‌منظور نمایاندن رویه دولت‌ها و نیز باور حقوقی آنان در قبال قواعد حقوق بین‌الملل است.

بدین ترتیب، گو اینکه در متن این آرا از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نام برده شده است اما تردیدی نیست چنین رویکردی دست‌کم درمورد تصمیمات سایر ارگان‌های مهم بین‌المللی از جمله شورای امنیت نیز قابل تسری است. شورای امنیت، مهم‌ترین ارگان سازمان ملل متحد محسوب می‌شود که اعمالش متضمن رویکرد بزرگ‌ترین دولت‌های جهان در قبال موضوعات مورد بحث است.

همچنین نمونه دیگر در این چارچوب، مربوط به قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره، مصوب ۱۹۶۰ است.^{۴۹} دیوان در قضیه مربوط به آثار غیرقانونی ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا (آفریقای جنوب غربی) قطع نظر از صدور قطعنامه ۲۷۶ شورای امنیت (۱۹۷۱)، در ارزیابی رویدادهای بعد از تصویب این اعلامیه تصریح می‌کند: توسعه بعدی حقوق بین‌الملل در رابطه با سرزمین‌های غیرخودمختار، به‌گونه‌ای که در منشور ملل متحد بیان شده، مبنی شکل‌گیری اصل حق تعیین سرنوشت برای همه آن‌هاست. نقطه‌عطف چنین تحولی را باید از هنگام تصویب اعلامیه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد جستجو کرد که به‌واقع، تمام مردم و سرزمین‌هایی را که تا آن زمان، هنوز به استقلال دست نیافته بودند،

البته از آنجایی که پروفیسور چنگ در ارائه نظریه عرف آئی، تنها *Opinio Juris* دولت‌ها را در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی ضروری می‌داند، بیان مذکور وی می‌تواند حاکی از آن باشد که قطعنامه‌های فوق‌الاشاره، علی‌رغم اینکه با اتفاق آرا به تصویب رسیده است، منعکس‌کننده *Opinio Juris* عام دولت‌ها نیست.

47. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations, General Assembly Resolution 2625(XXV), 1970.

48. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, *op. cit.*, para.188.

49. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, GA Resolution 1514 (XV), 20 December 1960.

دربرمی‌گرفت.^{۵۰} شاید این قطعنامه به‌وضوح نمی‌توانست مبین حقوق بین‌الملل عرفی موجود در آن زمان باشد، اما به‌زعم دیوان در این رأی و نیز رأی مشورتی صحرای غربی در سال ۱۹۷۵،^{۵۱} مبنای توسعه بعدی در این رابطه قرار گرفت.

در مورد وضعیت قطعنامه‌هایی که می‌توانند مبین اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها باشند باید به چند نکته دیگر اشاره کرد. چنانکه اشاره شد، کارهای مقدماتی مربوط به تدوین قطعنامه و نحوه نگارش متن، در استخراج اعتقاد حقوقی دولت‌ها بسیار مهم است. در مورد نحوه عبارت‌بندی قطعنامه و لحنی که در آن به کار برده می‌شود، پروفیسور ویرالی معتقد است که «قطعنامه همواره متضمن نشانه‌هایی در مورد اراده یا قصد نویسندگان آن است. اما برای درک چنین نشانه‌هایی تا حدی آشنایی با زبان خاص دیپلماسی ضرورت دارد»، مانند به‌کارگیری واژه «Shall» و «Should» به‌جای یکدیگر.^{۵۲} در این راستا، دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است نحوه عبارت‌پردازی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، عاملی مهم در تعیین اعتبار آن‌ها به‌عنوان ادله اعتقاد حقوقی دولت‌ها محسوب می‌شود. در قضیه نیکاراگوئه، دیوان اظهار می‌دارد: «عبارت‌بندی برخی اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد که دولت‌ها تصویب کرده‌اند، مبین شناسایی اصل ممنوعیت توسل به زور در قلمرو حقوق عرفی از جانب آن‌هاست».^{۵۳} در رأی مشورتی مربوط به مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای نیز به محتوای قطعنامه و شرایط تصویب آن به‌منظور احراز اعتقاد حقوقی دولت‌ها توجه می‌شود.^{۵۴} در این چارچوب، نه‌تنها لازم است به‌طور کلی آرای دولت‌هایی که به قطعنامه رأی داده‌اند بررسی شود، بلکه همچنین توضیحات مربوط به یکایک آن آرا و نیز اظهارنظر دولت‌ها در خصوص هر پاراگراف باید ارزیابی شود. در قضیه داوری راجع به تگزاکو علیه لیبی، داور منفرد تأکید کرد که گرچه قطعنامه شماره ۳۲۰۱ در رابطه با ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی بدون رأی‌گیری تصویب شده است، بیانیه‌های نمایندگان دولت‌های عمده صادرکننده سرمایه در خصوص آن قطعنامه، مشخص می‌کند که این دولت‌ها با تغییر و اصلاح مقررات مربوط به جبران خسارت ناشی از مصادره اموال و غیره که قبلاً در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ راجع به حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی اعلام شده بود، موافق نبودند.^{۵۵} به اعتقاد مک دوگال، به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا قطعنامه یا اعلامیه

50. *Advisory Opinion of Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, ICJ Reports, 1971, para.52.

51. *Advisory Opinion of Western Sahara*, ICJ Reports, 1975, para. 54.

52. *Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law*, *op. cit.*, Article 29, (comment c).

53. *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, *op. cit.*, para. 193.

54. *Case Concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, *op. cit.*, para. 70.

55. *Ibid.*, 52.

سازمان ملل متحد، بیان دقیق انتظارات ملل از حقوق است، ضروری است حقایق متعددی معلوم شود. این حقایق عبارت است از اینکه چه کسانی به قطعنامه یا اعلامیه رأی موافق و چه کسانی رأی مخالف داده‌اند، قدرت نسبی و مؤثر رأی‌دهندگان تا چه میزانی است، سیاست‌های مندرج در قطعنامه تا چه حد منطبق با انتظارات قبلی است، بعد از قطعنامه چه اتفاقاتی صورت پذیرفته است، از مراجع دیگر چه انتظاراتی می‌رود و ...^{۵۶}

ممکن است عنوان قطعنامه نیز در مواردی منعکس‌کننده قصد دولت‌هایی باشد که به آن رأی داده‌اند. مجمع عمومی در مواردی عنوان خاصی را مانند اعلامیه^{۵۷} برای تصمیمات خیلی مهم خود تعیین می‌کند، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اعطای استقلال به ملت‌ها و دولت‌های تحت استعمار و اعلامیه راجع به روابط دوستانه. اما انتخاب عنوان برای قطعنامه معجزه نمی‌کند. از یک سو ممکن است پذیرش گسترده یا کافی برای بخش خاصی از یک اعلامیه به عنوان حقوق موجود نباشد و از سوی دیگر، حتی قطعنامه‌ای که عنوان «اعلامیه» یا عنوانی مشابه ندارد، ممکن است - در کل یا به‌طور جزئی - تجلی وفاق عام جامعه بین‌المللی نسبت به قواعد مندرج در آن قطعنامه باشد.^{۵۸}

لازم به تأکید است در مورد این دسته از قطعنامه‌هایی که اعلام‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی عام است، تصمیمات شورای امنیت، احتمالاً از چنین ظرفیتی برخوردار نیست. اگر قطعنامه‌های شورای امنیت با اتفاق آرا به تصویب برسد، تازه متضمن آرا و دیدگاه‌های ۱۵ دولت خواهد بود. گو اینکه ۵ دولت از این ۱۵ دولت، بزرگ‌ترین دولت‌های جهان هستند که آرایشان در فرایند شکل‌گیری قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بسیار حائز اهمیت است، باوجود این، بعید است که بتوان رویکرد اجماعی آنان را اعلام‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی موجود دانست. به نظر می‌رسد تنها برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با اجماع همه دولت‌ها به تصویب می‌رسد از چنین قابلیت برخوردار باشد. حتی در مورد برخی قطعنامه‌های شبه‌قانون‌ساز شورای امنیت، از جمله قطعنامه ۱۳۷۳ راجع به مقابله با تروریسم که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید^{۵۹} نیز نمی‌توان چنین ایده‌ای را پذیرفت که می‌توانند مبین حقوق بین‌الملل عرفی عام باشند.

صرف‌نظر از قطعنامه‌های اعلامی که مبین حقوق بین‌الملل عرفی موجود است، در مورد سایر قطعنامه‌ها، هرچه تعداد آرای مثبت دولت‌ها در هنگام رأی‌گیری بیشتر باشد، تأثیرگذاری آن‌ها نیز

56. Panel Discussion, "The Legal Status of General Assembly Resolution", *The American Society of International Law*, 1979, pp. 328-329.

57. Declaration

58. *Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law*, op. cit., Article 32, (comment d).

59. SC, Resolution 1373, 28 September 2001.

در فرایند احراز اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها و نهایتاً شکل‌گیری قاعده عرفی، بیشتر خواهد بود. ضمن اینکه باید متذکر شد که اگر قطعنامه متضمن اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها نباشد، در هر صورت می‌تواند تبیین‌کننده دیدگاه و نگرش فردی دولت‌ها راجع به موضوع مورد بحث باشد که در نهایت ممکن است در فرایند شکل‌گیری و شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مورد ملاحظه قرار بگیرد.

همچنین به همان میزان که آرای مثبت به نفع قطعنامه‌ها بیشتر باشد، تأثیرگذاری آن‌ها نیز در فرایند احراز اعتقاد حقوقی عام دولت‌ها بیشتر خواهد بود. اگر تعداد قطعنامه‌هایی که متضمن قاعده‌ای خاص هستند، به گونه‌ای متوالی و زنجیروار، بیشتر باشد، وزن و اعتبار آن‌ها نیز به‌عنوان ادله تبیین‌کننده باور حقوقی دولت‌ها بیشتر خواهد بود.^{۶۰} به بیان یکی از پژوهشگران، تکرار هنجارهای یکسان در اسناد متوالی مبین حقوق هنجار می‌تواند شکل‌گیری اعتقاد حقوقی جامعه بین‌المللی را در پی داشته باشد.^{۶۱} قاضی *تاناکا* نیز نقطه‌نظر مشابهی را در نظریه مخالفش در قضیه آفریقای جنوب غربی در سال ۱۹۶۶ بیان کرده است. به اعتقاد وی، اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی الزام‌آور نیست، آنچه برای حقوق بین‌الملل عرفی ضروری است، تکرار رویه‌های یکسان است که معمولاً می‌تواند در این‌گونه قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و ... که متضمن موضوعاتی واحد هستند، قابل مشاهده باشد.^{۶۲}

مجدداً تأکید می‌شود، ملاحظات مذکور راجع به نقش قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان ادله منعکس‌کننده اعتقاد حقوقی دولت‌ها، بدون شک در مورد سایر متون مشابه نیز قابل تسری است؛ کما اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نیکاراگوئه، به اعلامیه نهایی هلسینکی مصوب کنفرانس امنیت و همکاری اروپا ۱۹۷۵^{۶۳} به‌عنوان ادله تأییدکننده وجود اعتقاد حقوقی دولت‌های مشارکت‌کننده، مبنی بر ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل استناد می‌کند.^{۶۴} باوجود این، از آنجایی که مجمع عمومی، تنها مرجع عمومی بین‌المللی است که متضمن حضور تمام دولت‌های جهان است، در تبیین دیدگاه‌ها و گرایش‌های عام دولت‌ها در موضوعات مختلف، نقش بسیار برجسته‌ای دارد. شورای امنیت، شورای حقوق بشر، سایر سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه اروپا، سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، کنفرانس‌های عمومی و ... نیز در حدود صلاحیت خود می‌توانند منعکس‌کننده اعتقادات و گرایش‌های دولت‌ها راجع به موضوعات مربوطه باشند.

60. Lepard, Brian, D, *op. cit.*, p. 215.

61. Kiss, A, *The Environment and Natural Resources: Commentary and Conclusions*, Oxford University Press, 2000, p. 229, In: Lepard, Brian, D, *op. cit.*, p. 215.

62. *South West Africa Cases (Ethiopia v. South Africa) (Liberia v. South Africa)*, ICJ Reports, 1966, Dissenting Opinion of Judge Tanaka, p. 292.

63. *Conference on Security and Co-operation in Europe*, Helsinki Final Act, 1975.

64. *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, *op. cit.*, p. 100.

نتیجه

چنانکه دیدیم، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانند در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نقش‌آفرین باشند. این مسئله می‌بایست در چارچوب بحث کلی‌تر مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در روند ساخت قواعد عرفی صورت می‌گرفت که همین‌گونه نیز شد. اعمال سازمان‌های بین‌المللی از رهگذر اقدامات ارگان‌هایشان ظاهر می‌شود و شورای امنیت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد، همواره در تصمیم‌سازی سازمانی، نقش مهمی ایفا کرده است. وقتی پذیرفته شود که سازمان‌های بین‌المللی در کنار دولت‌ها از تابعان فعال نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و دارای شخصیت حقوقی مستقل از دول تشکیل‌دهنده آن هستند، لذا می‌توانند در روند خلق قاعده حقوقی در جامعه بین‌المللی مشارکت کنند، نتیجتاً نباید تردید کرد که شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین ارگان اجرایی سازمان ملل متحد که بسیاری از تصمیمات مؤثر سازمان می‌بایست از رهگذر اقدامات آن اتخاذ شود، می‌تواند در شکل‌گیری قاعده عرفی نقش‌آفرینی کند.

در چارچوب نوشتار حاضر مشخص شد که سازمان‌های بین‌المللی به شیوه‌های مختلفی در فرایند شکل‌گیری و تبیین حقوق بین‌الملل عرفی نقش‌آفرینی می‌کنند. از یک‌سو به‌واسطه شخصیت حقوقی عینی فعالشان، سازمان‌های بین‌المللی در کنار دولت‌ها از صلاحیت قاعده‌سازی در جامعه بین‌المللی برخوردارند و از این طریق در روند ساخت عرف مشارکت می‌کنند، و از دیگر سو، سازمان‌ها ظرفیت مناسبی برای انعکاس دیدگاه‌ها و گرایش‌های دولت‌ها در موضوعات مختلف بین‌المللی تلقی می‌شوند. این امر، بخصوص در مورد سازمان‌های مهم بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، تجلی بارزتری می‌یابد چرا که این‌گونه سازمان‌ها معمولاً عرصه حضور قریب به اتفاق دولت‌های جهان هستند و از این صلاحیت برخوردارند که راجع به همه مسائل، پذیرای عقاید دولت‌ها و رویکردهای کلی آنان باشند. بدین ترتیب از رهگذر ملاحظه اخیر، اعمال سازمان‌های بین‌المللی از بهترین منابع تبیین‌کننده عناصر سازنده قاعده حقوق بین‌الملل عرفی به حساب می‌آید. اگرچه شورای امنیت سازمان ملل متحد، متضمن تنها تعداد محدودی از دولت‌های جهان است و در مقایسه با مجمع عمومی از قابلیت محدودتری به‌منظور ساخت و پرداخت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار است و به بیانی دقیق‌تر، امکان تبیین قواعد عام عرفی، اساساً از رهگذر قطعنامه شورای امنیت وجود ندارد، نباید فراموش کرد که حداقل پنج عضو از پانزده عضو این ارگان از دولت‌های بزرگ و قدرتمند جهان هستند که عملکردشان قطعاً در روند شکل‌گیری قاعده عرفی جدید، مؤثر است و اصولاً بدون آرای آنان، هیچ قاعده عامی شکل نخواهد گرفت. در رابطه با این نکته اخیر، لازم به توضیح است: اینکه برخی دولت‌ها نسبت به برخی دیگر در عرصه ساخت عرف، نقش و نفوذ گسترده‌تری دارند، به‌هیچ‌وجه به معنای حضور انحصاری دولت‌های

قدرتمند در این عرصه نیست. هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که مشارکت قدرت‌های بزرگ به‌منظور خلق قاعده‌ای عرفی را ضروری بداند. برای مثال در قلمرو حقوق دریاها، برخی از دولت‌هایی که اتباعشان به شکلی گسترده در آب‌های دوردست به ماهی‌گیری مشغول‌اند، طبیعتاً به‌عنوان دولت‌های قدرتمند شناخته نشده‌اند و این امر در مورد اکثر دولت‌های ساحلی که منفعت خاصی در ماهی‌گیری در چنین آب‌هایی دارند، صادق است. اما این دولت‌ها در تحول قواعد عرفی در این حوزه، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به نظر می‌رسد در این عرصه، حجم و تنوع عملیات ناوبری و دریایی، بخصوص در زمینه‌های نظامی، تجاری یا ماهی‌گیری است که تعیین‌کننده است.^{۶۵} در سایر حوزه‌ها نیز وضعیت به همین ترتیب است و ممکن است منافع دولت‌های مختلف، به‌طور ویژه تحت‌تأثیر قرار بگیرد. اما نباید از این مسئله گذشت که دولت‌های قدرتمند به‌واسطه وسعت منافعشان، هم به لحاظ جغرافیایی و هم از نظر موضوعی، همواره یک پای مشارکت عمده در اغلب موضوعات بین‌المللی بوده‌اند و با حضور آنان بوده است که قاعده عرفی، به‌لحاظ شکل‌گیری، نهایتاً سرانجامی یافته است.

در نهایت اینکه با تمام این اوصاف، همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، پروفیسور مایکل وود در گزارش‌های اول و دوم خود راجع به شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی، به‌زعم برخی، علی‌رغم ارجاعات مکرر به مجمع عمومی، هیچ اشاره‌ای به نقش آفرینی شورای امنیت در روند ساخت و پرداخت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌کند.^{۶۶} در این خصوص لازم به تأکید است که پروفیسور وود بخصوص در گزارش اول خود، اصولاً به دنبال تبیین نقشه راه آینده موضوع بوده تا بررسی اجزای مختلف بحث. در این گزارش، گزارشگر ویژه سعی کرده توضیح دهد که اساساً چه موضوعاتی باید در عرصه بحث شناسایی قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مدنظر قرار بگیرد، تبیین مستندات در این فرایند چگونه است و مراجع قضایی بین‌المللی و داخلی، سازمان‌های بین‌المللی، ارگان‌های غیردولتی، دکترین و نهایتاً خود دولت‌ها چه رویکردی را در تبیین عناصر سازنده عرف اتخاذ کرده‌اند. لذا قصد این نبوده که به‌طور مشخص، عملکرد سازمانی بین‌المللی در روند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی بررسی شود و همان‌طور که در خود گزارش نیز اشاره شده، این امر به آینده حواله شده است.^{۶۷} بدین ترتیب در حال حاضر، نمی‌توان چندان در خصوص رویکرد پروفیسور وود در رابطه موضوع شکل‌گیری و شناسایی عناصر سازنده عرف، اظهارنظر کرد و برای این امر باید گزارش‌های بعدی وی در سال‌های آتی را به انتظار نشست.

65. Fitzmaurice, G, *The General Principles of International Law Considered from the Standpoint of the Rule of Law*, 92 Recueil des course, 1957, p.101.

66. Kristen, Boon; *Are Security Acts Relevant to the Formation of Customary International Law?*, op. cit.

67. *First Report on Formation and Evidence of Customary International Law*, op. cit., p. 56.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- زمانی، سیدقاسم؛ *حقوق سازمان‌های بین‌المللی؛ شخصیت، مسئولیت، مصونیت*، شهر دانش، ۱۳۸۴.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ *صلح جاویدان و حکومت قانون، دیالکتیک همانندی و تفاوت*، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۰.

- مقاله

- زرنشان، شهرام؛ «مفهوم و ماهیت عنصر روانی در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس*، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

- پایان‌نامه

- زمانی، سیدقاسم؛ *عرف و معاهده در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری*، با تأکید بر قضیه نیکاراگوئه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲.

ب) انگلیسی

- Books and Articles

- Amerasinghe, C, F, *Principles of the Institutional Law of International Organization*, Cambridge University Press, 1996.
- Akehurst, M, *Custom as a Source of International Law*, 47 *British Yearbook of International Law*, 1974-75.
- Byers, Michael, "Custom, Power, and the Power of Rules Customary International Law from an Interdisciplinary Perspective", 17 *Michigan Journal of International Law*, 1995.
- *Conference on Security and Co-operation in Europe*, Helsinki Final Act, 1975.
- Cheng, B, "United Nations Resolutions on Outer Space: 'Instant' International Customary Law", 5 *Indian Journal of International Law*, 1965.
- D'amato, A, A, *The Concept of Custom in International Law*, Cornell University Press, London 1971.
- Dinstein Yoram, *The Interaction between Customary International Law and Treaties*, 322 *Recueil des cours: Collected Courses of The Hague*

Academy of International Law, 2006.

- Donaghue, S, Normative Habits, *Genuine Beliefs and Law: Nicaragua and Theory of Customary International Law*, 16 Australian Yearbook of International Law, 1995.
- *Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations*, General Assembly Resolution 2625(XXV), 1970.
- *Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples*, GA Resolution 1514(XV), 20 December 1960.
- *Digest of United States Practice in International Law*, (S, J, Cummins and D, P, Stewart, eds), 2001.
- *Digest of United States Practice in International Law*, (S, J, Cummins and D, P, Stewart, eds), 2002.
- Lepard, Brian, D, *Customary International Law, A New Theory with Practical Applications*, Cambridge University Press, 2010.
- Kristen Boon; *Are Security Acts Relevant to the Formation of Customary International Law?*, <http://opiniojuris.org/2014/06/26>.
- Higgins, R, *The Development of International Law through the Political Organs of United Nations*, 1963, Chap.2 and Sloan, B, *General Assembly Resolutions Revisited*, 58 British Yearbook of International Law, 1987.
- Mendelson, M, H, *The Formation of Customary International Law*, 272 Recueil des cours: Collected Courses of The Hague Academy of International Law, 1998.
- Panel Discussion, *The Legal Status of General Assembly Resolution*, The American Society of International Law, 1979.
- Kiss, A, *The Environment and Natural Resources: Commentary and Conclusions*, Oxford University Press, 2000.
- Fitzmaurice, G, *The General Principles of International Law Considered from the Standpoint of the Rule of Law*, 92 Recueil des course, 1957.
- Sinclair, I, M, T, *The Vienna Convention on the Law of Treaties*, Manchester University Press, 1984.
- Kammerhofer, Jorg, "Uncertainty in the Formal Source of International Law: Customary International Law and Some of Its Problems", *European Journal of International Law*.
- Gross, L, *Essays on International Law and Organization*, Two vols, Martinus Nijhoff, 1984.
- *Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law*, The International Law Association, Final Report of 69th Conference, London, 2000.
- Virally, M, "The Sources of International Law", In: Soreson, M,(ed), *Manual of Public International Law*, Martin Press, 1968.
- Thirlway, H, *The Law and Procedure of International Court of Justice*,

British Yearbook of International Law, 1990.

- The American Law Institute: *Restatement (Third) Foreign Relations Law of the United States*, vol.I, 1987.
- Wood, Michael, *First Report on Formation and Evidence of Customary International Law*, Special Rapporteur, International Law Commission, A/CN.4/663, 2013.
- *Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations*, Official Records of the United Nations Conference on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations, 1986.

- Cases and Materials

- *Asylum Case (Colombia / Peru)*, ICJ Reports, 1950.
- *Case Concerning Rights of United Nations National in Morocco*, ICJ Reports, 1952.
- *Case Concerning North Sea Continental Shelf*, ICJ Reports, 1969.
- *Advisory Opinion of Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations*, ICJ Reports 1949.
- *Advisory Opinion of Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, ICJ Reports, 1951.
- *Advisory Opinion of Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276(1970)*, ICJ Reports, 1971.
- *Advisory Opinion of Western Sahara*, ICJ Reports, 1975.
- *South West Africa Cases (Ethiopia v. South Africa) (Liberia v. South Africa)*, ICJ Reports, 1966.
- *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, ICJ Reports, 1986.
- *Case Concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, ICJ Reports, 1996.
- *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening)*, ICJ Reports 2012.